



ما ایران را دوست داریم. ایران آباد است.

ایرانی با ایمان است. ایرانی بیدار است.

آسمان در ساری آبری است.

باران نم نم می بارد. باران دیدنی است.

من با دوربین، امیر با آمین را در بیرون دیدم.

امیر ایستاد. او بستنی در دست دارد.

سیما روسری بر سر دارد. او در دست سینی دارد.

در سینی سی سیب با بیست انار است.

او به مینا انار داد.

مادرم در روستا بود. من مادرم را دوست دارم.

مادر من را بوسید.

ایمان در روستا ماری را دید. او ترسید.

او بیمار است. دارو را بر می دارد.

